

نهایه / مرحله چهارم / ادامه فصل چهارم

- اشکال به دلیل دوم

- ممکن است علت را اعتبار نکنیم اما در واقع تحقق داشته باشد. همانگونه که ماهیت را به حسب ذاتش که خالی از وجود و عدم است در نظر می‌گیریم اما در واقع یا موجود است یا معدوم.

- پاسخ

- این قیاسی مع الفارق است. حیثیت ذات ماهیت غیر از حیثیت واقع است، اما در اینجا بحث ما حیثیت ذات واجب است که عین حیثیت واقع است. و وقتی حیثیت تحقق شیء را در نظر می‌گیریم باید همه آنچه مرتبط با تحقق آن است (از علل و شروط) را در نظر بگیریم.

- تقریر دیگر دلیل دوم

- عدم کفایت ذات در وجوب صفتی از صفات مستدعی نیاز به غیر است، پس آن غیر علت ایجاد آن صفت است، پس ذات واجب بالذات نسبت به آن غیر واجب بالغیر است، پس واجب بالذات واجب بالغیر است (محال).

- اشکال به اصل قاعده

- قاعده با صفات اضافی که نیازمند طرف است نقض می‌شود، مانند صفت خالقیت و رازقیت.
- زیرا صفات اضافی تابع مخلوقات ممکن هستند (= تا مخلوقی نباشد خالقیتی نیست و تا مرزوقی نباشد رازقی نیست) و ذات واجب به تنهایی برای اتصاف به این صفات کفایت نمی‌کند.

- پاسخ

- صفات فعلی از مقام فعل بر گرفته می‌شوند نه از مقام ذات، پس ذات در مقام فعل متصف به این صفات می‌شود و قاعده در خصوص مقام ذات واجب است.
- البته صفات فعلی نیز منشأی در ذات دارند، اما جنبه ذاتی این صفات به اضافه اشراقیه برمی‌گردد نه اضافه مقولیه که نیازمند طرف و متأخر از طرف است.